

سرمقاله

صلح و آرزوهای مردم افغانستان

محمد رضا هویدا

روز بیست و یکم سپتامبر به نام روز جهانی صلح نامگذاری شده است. این روز در حالی در کشورهای جهان تجلیل می شود که خشونت، کشتار و تبعیضات ظالمانه در تعدادی از کشورها رو به افزایش می باشد. بیش از هر کشوری، اما افغانستان درگیر در جنگی ناتمام، و در انتظار پایان یافتن خشونتها و قتل ها و کشتارها، و در انتظار استقرار صلحی پایدار و عادلانه که حقوق انسان ها و برابری و عدالت را برای شهروندان این کشور به ارمان بیاورد، راه درازی را پیموده است. ولی هنوز هم در اول راه قرار دارد و برای رسیدن به این آرزوها باید تلاش پیگیرتر و عزمی جدی تر به کار گیرد.

صلح پدیده ای است که وجود آن در هر جامعه و کشور برآیند یک سلسله عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که بدون ایجاد عوامل زمینه ساز صلح، آشتی و همبستگی در جامعه به وجود نمی آید.

صلح زمانی امکان پذیر می گردد که نهادهای سیاسی مشارکت فعال، عادلانه و آگاهانه اعضای جامعه را در فرایندهای ملی پذیرفته باشند. صلح وقتی تأمین می شود که آزادیهای اساسی شهروندان به گونه ای مطلوب به رسمیت شناخته شده و به آنها احترام گذاشته شود.

مردم زمانی به صلح دسترسی پیدا می کنند که مناسبات انسانی، عادلانه و برابر را در روابط اجتماعی خود حکمفرما کرده باشند و تبعیض و ستمگری را با تمام اشکال آن از بین برده باشند. چشم انداز صلح در شرایطی آشکار می گردد که نهادها و ارزشهای فرهنگی متناسب و سازگار با پدیده صلح در جامعه پدید آمده باشد.

نهادهایی که برابری را تبلیغ و ترویج نمایند و ارزشهایی که مردم را به سازگاری و همبستگی فرا بخوانند و آن را برای بقا، آرامش و پیشرفت کشور ضروری بدانند.

صلح وقتی ایجاد می شود که فقر و بدبختی و بیکاری از جامعه رخت پرسته باشد و اعضای جامعه از حداقل استانداردهای زندگی برخوردار باشند.

روز جهانی صلح در افغانستان در حالی تجلیل می شود که کشتارها، ناامنی ها و خشونت های سازمان یافته هنوز در کشور جریان دارد و مشارکت فعال و آگاهانه احزاب سیاسی، نهادهای اجتماعی و اقشار مختلف مردم در بدنه قدرت با اشکالات و چالش های فراوانی مواجه می باشند و روحیه اخوت و برادری و حس برابری همه شهروندان در جامعه نهادینه و درونی نگردیده و قوم گرایی و منطقه پرستی بر مبنای رویکردهای امتیاز طلبانه به قدرت و قوت خود باقی می باشد و رفتارها و کارکردهای افراد را تحت تاثیر قرار می دهد.

ارزشهای فرهنگی حاکم بر جامعه هنوز تکثر گرایی و همبستگی اجتماعی را به خوبی بر نمی تابد و سنت ها و باورهای قبیله ای و عشیره ای فرهنگ و هنرهای اجتماعی را تشکیل می دهد و روابط و مناسبات درونی شهروندان و اعضای جامعه بر اساس همان سنت ها و باورهای قبیله ای تنظیم می شود. فاصله طبقاتی به شکل وحشتناک و تباہ کننده در جامعه بیشتر و عمیق تر می گردد و فقرا هر روز فقیرتر و اغنیاء هر روز غنی تر می گردد.

شکاف های طبقاتی، نوعی آگاهی نسبی را در لایه های پایین تر اجتماع پدید آورده و احساس تبعیض و حق کنشی را در دامن زده و روحیه خصم پنداری و دشمنی را تقویت کرده است. با این احوال چگونه می توان به صلح و ثبات و امنیت در کشور امیدوار بود؟ اگرچه در سطوح سیاسی تلاش های زیادی برای صلح انجام می شود و این روزها درارگ ریاست جمهوری اعضای شورای عالی صلح تعیین می شود تا پروسه صلح با مخالفان را پیش ببرند؛ اما آیا چنین تلاش هایی به ثمر خواهد نشست؟ با توجه به زمینه های نامناسب برای صلح در کشور می توان گفت که رسیدن به صلح در کوتاه مدت بسیار دشوار و حتا ناممکن می باشد.

امروزه یکی از مهمترین مسئله برای نخبگان سیاسی در رأس نظامی بی نظمی شهرها به خصوص شهر کابل است. خانه سازی بدون برنامه شهری و وجود اشغال های انبوه در گوشه کنار شهر از مواردی است که شهر نشینان و نخبگان را به سخن در آورده است. شهر کابل برای مدتی است که شهر دار ندارد. به همین خاطر، اشغال های زیاد در گوشه و کنار شهر انباشته شده است. این در حالی است که حکومت مطابق قانون اساسی باید زمینه انتخابات شهرداری شهرها را فراهم نماید و شهر دار های شهرها از طریق انتخابات و با آراء مردم انتخاب شود. در کنار این مسئله اما، تنها مشکل نبود شهردار نیست. بلکه عدم پلان و برنامه شهری از موارد عمده و اساسی است که مشکلات شهری را در کابل و دیگر شهرها ایجاد نموده است. کابل در سیزده سال گذشته شاروال داشته است اما شاروالها به خاطر عدم توانایی قادر به ارائه پلان شهری و مدیریت شهر نبوده است. در کنار اداره شاروالی وزارت شهرسازی نیز موفق نشده است به صورت هماهنگ با اداره شاروالی کار نماید و شهرها را مدیریت نماید.

در ذیل با توضیح پدیده شهر نشینی در صدد آنیم مشکلات شهر کابل را در حد ممکن توضیح دهیم.

فرآیند شهر نشینی زمانی رخ می دهد که شمار انبوهی از مردم، مناطق روستایی کشور را رها کنند و سکونتگاههای شهری را برای زندگی شان بر پا کنند. شهر نشینی در سراسر جهان رو به گسترش است. در کشور های صنعتی پیشرفته، شهر نشینی به گونه ای تدریجی و همراه با رشد صنعت و بازرگانی رخ داده و اکنون بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشورها را شهر نشینان تشکیل می دهند. ولی در کشورهای توسعه نیافته این گرایش به شهر نشینی بر اثر بهبود در فنون پزشکی و پایین آمدن نرخ مرگ و میر و هجوم جمعیت اضافی روستاها به شهرها، به گونه ای تقریباً ناگهانی پدید آمده است، بدون آنکه صنایع نوپای شهری بتوانند این جمعیت اضافی را به خود جذب کنند. رشد شهر نشینی در این کشورها جنبه ای بیمار گونه به خود گرفته و مسائلی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی خطرناکی را برای این کشورها به بار آورده است.

شهرنشینی پدیده ای مدرن است که بعد از انقلاب صنعتی در انگلستان آغاز شد. صنعتی شدن موجب شد که محل کار

تغییر کند. قبل از صنعتی شدن خانه ها هم محلی برای زندگی و هم محل کار برای کسب درآمد بود. شهرها اگر هم وجود داشت سربر مناطق روستایی و توده های روستایی بودند که کار کشت و زرع می کردند و به شهرها هم سرآزیر می شدند که با این خیالپردازی ها ذهن شهر نشینان را مشغول نگه می دارد. در افغانستان اما فرایند شهر نشینی بعد از ۲۰۰۱ یعنی بعد از سقوط طالبان رو به افزایش بوده است. به قول بروس کوئن این رشد به شکل بیمار گونه بوده است. گسترش شهر نشینی در افغانستان بیشتر به خاطر خشک سالی های چند ساله ای بود که مردم را وادار کردند برای امرار معاش به جاهای دیگر بروند. دلیل دیگر، مهاجرت افغان ها به کشورهای همسایه بود. افغان ها با مهاجرت، هم با زندگی



علی قادری

با این حال، مدیریت شهر و کنترل مشکلات همانند ترافیک و جمع آوری اشغال از مسائل دیگر است که قیافه و چهره شهر را خراب کرده است. ادارات مسئول و نخبگان سیاسی باید تدبیری برای این مشکلات نیز بسنجند در غیر آن این مشکلات به مرور زمان شهرنشینی و زندگی شهری را با مشکل جدی مواجه می سازد. از این جهت، شهر با مشکل جدی مواجه می گردد.

اشرف غنی، رئیس جمهور امیدوارم با درک وضعیت شهرها تدابیری برای بهبود زندگی شهری روی دست گیرد. از آنجایی که بخش از جمعیت کشور در شهرها زندگی می کند، توجه به زندگی آن ها بیامد های مثبت برای حکومتداری او دارد. در سیزده سال گذشته اگر کاری صورت نگرفته است اکنون با درک مشکلات باید کاری های روی دست گرفته شود.

فرایند شهر نشینی در افغانستان رو به گسترش است اما هیچ برنامه و پلانی از سوی دولت برای گسترش شهرها وجود ندارد. در کنار رشد فرایند شهرنشینی صنعت رشد نکرده است. شهرنشینی بی رویه و گسترش پرشتاب پدیده شهرنشینی در بسیاری کشورها باعث وجود آمدن پدیدههایی همچون حاشیه نشینی، زاغه نشینی، افزایش بیکاری و بزهکاری و مشکلات و ناسازگاری های فرهنگی شده است. امروزه مشکلات چون بیکاری، و نسا حدودی بزهکاری و ناسازگاری های فرهنگی در شهرهای افغانستان بی داد می کند. بیکاری یکی از مشکلات جدی است که ممکن خیل عظیم از جمعیت را به بزهکاری بکشاند؛ دولت و نهاد های مربوطه اگرچه فرایند شهر نشینی توجه جدی ننمایند ممکن با مشکلات بیشتری بیکاری، بزهکاری، حاشیه نشینی و زاغه نشینی و در کل بی نظمی شهری مواجه گردد که مدیریت آن سخت و دشوار خواهد شد. بر طرف کردن بخشی از معضلات با رشد صنعت ممکن می گردد بنابراین لازم است که در کنار رشد شهر نشینی به صنعت نیز توجه جدی شود. با توجه به صنعت هم اشتغال می شود و هم وضعیت اقتصادی کشور بهبود می یابد و هم بخش از نیازمندی های کشور فروغ گردیده و کشور را از وابستگی بیشتر کشور به تولیداتی بیرونی بی نیاز می سازد. با این حال، این به معنی آن نیست که توجه به مسائل دیگر شهرها نشود.

شهری آشنا شدند و هم کسب و کاری را آموختن که تنها در شهرها کاربرد دارد به همین خاطر با برگشتن به کشور خود، از روستاها به شهرها مهاجرت کردند. با این حال، زمینه های کار در شهرهای افغانستان فراهم نبوده است. نیروی کاری به اندازه کافی در زمینه های مختلف وجود دارد. در طول سیزده سال گذشته کاری در مورد رشد صنعت در شهرها صورت نگرفته است. به همین خاطر، شهرها هم قادر به تأمین نیاز های خود نبوده است. پدیده مهاجرت ادامه پیدا کرده است. از این جهت، یکی از اساسی ترین مسائل برای شهرنشینیان و نخبگان کشور این است که در راستای رشد صنعت و ایجاد کارخانه ها در اطراف شهر تلاش نماید. از این طریق هم نیازمندی های شهر تأمین گردد و هم اشتغال ایجاد گردد.

تاریخچه و فلسفه عید قربان

قسمت اول



را تثبیت می کند. سیرت و زندگانی تمام انبیاء علیهم الصلاة و السلام پر از قربانی و مجاهده هاست اما زندگانی شخصیت ابر مرد تاریخ، ایوب الانبیاء حضرت ابراهیم علیه الصلاة و السلام به تنهایی تاریخی است زنده و جاویدان پر از قربانی ها، مجاهده ها، زنجها و مشقتها. هجرت ها و دعوت ها. وقتی دعوت راه حق را آغاز نمود، پدر و تمام خانواده در مقابل او ایستادند. در راه توحید و یکتا پرستی پادشاه وقت ایشان را به آتش مجازات کرد. بالاخره او مجبور شد که راه هجرت را پیشه کند لذا از وطن اصلی خویش سرزمین عراق (بابل) به سوی فلسطین هجرت فرمود. «و قال انی ذاهب الی ربی سیدین» و گفت من به سوی پروردگار می روم و او مرا هدایت خواهد کرد. دعای فرزند

پذیرفته بعد. بعد از آن این عمل در تمام ادیان سماوی به عنوان یک عبادت و ذریعه قرب و در مناسبات و مواقع خاص به عنوان یک دستور و آیین جای ماند. اینجاست که می بینم تمام ملتها اعم از پیروان ادیان سماوی و غیر سماوی با ذبح حیوان یا صدقه دادن پول و کالا به بارگاه خداوندی یا معبود های باطل خویش تقرب می جویند. واقعه تاریخی بی نظیر قربانی به عنوان شعار دین و آیین و مشروعیت آن به زمان حضرت آدم علیه السلام بر می گردد اما وقتی که واقعه بی نظیر و شگفت انگیز، ابر مرد تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام پیش آمد، که در آن واقعه تاریخی بی مثال، ایشان برای ذبح و قربان کردن یکتا فرزند پرمودش حضرت اسماعیل علیه السلام اقدام نمودند و پس از پیروز و نامدار شدن حضرت ابراهیم در آن آزمایش سخت و تاریخی، قربانی جایگاه و اهمیت ویژه ای را در ادیان سموات کسب کرد، چرا که شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام برای تمام اهل ادیان سماوی یهودیان، مسیحیان و اهل اسلام مورد قبول و قابل احترام است، و آن داستان تکان دهنده و شگفت انگیز (قربانی پدراجمند، فرزند دلبد را) در سوره صافات قرآن مجید آمده است و کتاب مقدس نیز آن

سیر کردن گرسنه ها است قرآن در این باره می فرماید: «فکفوا منها واطعمواالقانع والمعتر» از گوشتهایی که قربانی می کنید هم خودتان میل نمائید، هم به قانع و معتر بدهید. قانع، فقیری است که به آنچه می گیرد، قانع است. معتر، فقیری است که علاوه بر تقاضای کمک اعتراض هم می کند. این نشان دهنده بینش وسیع اسلام است که سفارش به خود را فراموش کنید نه دیگران را و در تقسیم گوشت و اطعام، پای بند تملق یا دعا و تواضع فقیر نباشید؛ او را سیر کنید، گرچه با شنیدن زخم زبان باشد. تاریخچه قربانی ذبح قربانی جهت تقرب پروردگار از زمان ایوب البشیر حضرت آدم علیه السلام شروع شد، وقتی که دو فرزندش هابیل قوچی و قابیل مقداری گندم را به عنوان قربانی به بارگاه خداوندی تقدیم نمودند. به دستور و روال آن زمان آتشی از آسمان آمده، قربانی هابیل را سوخت، که این علامت قبولیت بود و قربانی قابیل به حال خود باقی ماند. در قرآن مجید این واقعه تاریخی چنین آمده است:

«اذ قربا قربانا فتلیل من احدهما و لم تقبل من الاخر» (مائده ۲۷) ترجمه: وقتی که (هابیل و قابیل، پسران آدم) قربانی تقدیم کردند از یکی (یعنی هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل)

قربانی عبادت مالی و از شعائر اسلام است و در مقابل دیگر عبادت های مالی ویژگیهای خاصی در بسر دارد، با توجه به آن ویژگیهای قربانی بین عبادت های دیگر جایگاه و اهمیت ممتازی را حائز است. مفهوم و معنی قربانی از نظر معنای لغوی «قربانی» از لفظ «قربان» مأخوذ است، هر آن چیزی که ذریعه و وسیله تقرب و نزدیکی الهی باشد آن را «قربانی» می گویند، آن چیز خواه ذبح حیوان باشد یا دیگر صدقات. بعضی از علماء هر نیکی و عمل خیر را که باعث قرب و رحمت الهی باشد «قربانی» می نامند. البته در عرف عام به آن حیوان مخصوص «قربانی» گفته می شود که به خاطر رضای الله در روزهای معین عید الاضحی- عید قربان- مسلمانان آن را ذبح می کنند و کلمه قربانی از لفظ قربان گرفته شده و چندین بار در قرآن مجید آمده است، در اکثر مواقع مراد از آن «حیوان مذبحه» است



Footer section containing contact information for The Daily Afghanistan, including website (www.dailyafghanistan.com), email (thedailyafghanistan@yahoo.com), and address (کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۸).